

حوزه‌های علمیه؛ تحول و کارآمدی در هدایت دینی و اخلاقی جامعه

رقیه ضیافر^۱

چکیده

حوزه‌های علمیه در طول تاریخ اسلامی، یکی از مهم‌ترین نهادهای تولید معرفت دینی و تربیت نیروهای هدایت‌گر جامعه بوده‌اند؛ اما تحولات فرهنگی، رسانه‌ای و اجتماعی عصر حاضر، این نهاد ریشه‌دار دینی را با پرسش‌هایی تازه و پیچیده روبه‌رو کرده است. مسائلی مانند شکاف نسلی، گسترش فضای مجازی، ورود مباحث نوپدید اخلاقی و هویتی و فاصله زبانی میان روحانیت و جوانان، ضرورت بازاندیشی در ساختار و محتوای آموزشی حوزه را دوچندان کرده است. این پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی و بر پایه منابع قرآنی، روایی و سخنان علمای دینی، به بررسی ابعاد تحول‌پذیری حوزه و راهکارهای افزایش کارآمدی آن در هدایت دینی و اخلاقی جامعه می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که تحول حوزه نه تغییر هویت دینی، بلکه احیای ظرفیت‌های فراموش‌شده‌ای است که در متن قرآن و سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام ریشه دارد. سه محور اصلی تحول عبارت‌اند از: اصلاحات ساختاری با هدف استانداردسازی و شفافیت؛ اصلاحات محتوایی برای گذار از فقه فردی به اخلاق اجتماعی و بین‌رشته‌ای و تحول ارتباطی از طریق حضور فعال، هدفمند و حکیمانه در فضای مجازی. نمونه‌های موفق مانند مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله علیه و فعالیت‌های رسانه‌ای روحانیون جوان نشان می‌دهد که مسیر تحول قابل اجرا و اثربخش است. در نهایت، پژوهش تأکید می‌کند که حوزه‌های علمیه، اگر بر اصول ثابت خود پایدار بمانند و در عین حال با نیازهای زمانه همراه شوند، می‌توانند نقش تاریخی خویش را در هدایت جامعه حفظ و تقویت کنند و به مرجعیت فرهنگی و اخلاقی در دنیای معاصر تبدیل شوند.

کلیدواژه‌ها: تحول ساختاری، حوزه‌های علمیه، علوم اسلامی، کارآمدی اجتماعی، هدایت اخلاقی، هدایت دینی.

بی‌تردید حوزه‌های علمیه در تمدن اسلامی، از دیرباز به‌عنوان مراکز تولید دانش فقهی، کلامی و اخلاقی، نقشی کلیدی در حفظ هویت شیعه و تربیت رهبران دینی ایفا کرده‌اند؛ اما در عصر حاضر، جامعه با پرسش‌هایی روبه‌رو است که پاسخ‌های سنتی به‌تنهایی قادر به حل آن‌ها نیستند: پرسش‌هایی دربارهٔ جنسیت، هویت، معناگرایی، عدالت محیط‌زیستی و رابطهٔ دین با دنیای دیجیتال. این تحولات، حوزه‌ها را در معرض چالشی دوگانه قرار داده است: یا به ثبات محض بسنده کنند و به‌تدریج از فضای اجتماعی منزوی شوند یا تحولی هوشمندانه را آغاز کنند که ضمن حفظ اصول، پاسخ‌گوی نیازهای زمانه باشد.

قرآن کریم به‌وضوح از تغییر ساختارهای ذهنی و اجتماعی سخن می‌گوید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱). این آیه، بیانگر ضرورت تحول آگاهانه است. هم‌چنین، امام علی علیه السلام در نهج البلاغه هشدار می‌دهد: «جَاهِلُكُمْ مُزْدَادٌ وَ عَالِمُكُمْ مُسَوِّفٌ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۸۳). این جمله نیز نقدی تند به روحانیت بی‌تحرک است که در حالی‌که جامعه در حال پرسش‌گری است، او خاموشی پیشه کرده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این رابطه تأکید فرموده‌اند: «برنامه‌ها نو به نو باید بر حسب نیازهای زمان تجدید بشود؛ این طبیعی است. آن‌چه بایستی دست‌کاری بشود، برنامه‌ها است؛ باید دید چه درسی بیشتر مورد نیاز است، چه درسی بیشتر در جامعه مورد استقبال قرار می‌گیرد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳/۰۴/۱۴۰۳) و در جای دیگری می‌فرمایند: «تحول یعنی به‌روز بودن، به‌هنگام جلو رفتن، از حوادث عقب نماندن» (بیانات مقام معظم رهبری، ۰۸/۰۹/۱۳۸۶). از این رو، پرسش اصلی این پژوهش این است: «تحول‌های ساختاری و محتوایی در حوزه‌های علمیه چگونه می‌تواند کارآمدی آن‌ها را در هدایت دینی و اخلاقی جامعهٔ معاصر افزایش دهد؟»

این پژوهش از دو جنبه دارای اهمیت است:

- نگرشی: پر کردن شکاف موجود در ادبیات پژوهشی دربارهٔ «کارکرد اجتماعی حوزه‌ها» که بیشتر پژوهش‌ها را به تاریخ‌نگاری یا فقه‌نگاری محدود کرده است.

- **کاربردی:** ارائه راهکارهای عملی برای سیاست‌گذاران حوزوی (مانند شورای عالی حوزه‌ها و جامعه مدرسین و...) در طراحی نظام آموزشی همگام با نیازهای جوانان امروز. از جهت دیگر نیز «اگر حوزه بخواهد از تحول بگریزد، منزوی خواهد شد؛ اگر نمیرد، اگر زنده بماند. البته مایه دین مانع مردن می‌شود، اما منزوی خواهد شد؛ روزه‌روز منزوی‌تر خواهد شد». (بیانات، همان). در دنیایی که سیل پرسش‌ها فزونی می‌یابد، سکوت حوزه، نوعی مشارکت در حذف دین از صحنه زندگی محسوب می‌شود.

این پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی و بر پایه داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است. تحلیل داده‌ها نیز با روش «تحلیل تماتیک» صورت گرفته و تم‌های کلیدی عبارتند از:

- تحول ساختاری (مدیریت، آموزش، پژوهش)

- تحول معرفتی (فقه اجتماعی، اخلاق کاربردی)

- هدایت اخلاقی (ارتباط با جوانان، رسانه، مشاوره)

بررسی منابع نشان می‌دهد تاکنون پژوهشی که تمامی جوانب بحث مقاله مورد نظر را دربرگیرد، به نگارش درنیامده است. از جهت دیگر بحث «تحول حوزه‌های علمیه» در سال‌های اخیر بیشتر از منظر تاریخی، آموزشی و فرهنگی دنبال شده است؛ اما پیوند این تحول با «کارآمدی دینی و اخلاقی» جامعه کمتر مورد توجه بوده است. مهم‌ترین آثار مرتبط با این پژوهش به شرح زیر است:

۱. پیروزمند، علیرضا، کتاب «**تحول حوزه علمیه و روحانیت**». این کتاب جامع‌ترین اثر درباره تحول تاریخی حوزه‌های علمیه است. نویسنده با مرور دوران صفویه تا پس از انقلاب اسلامی، عملکرد فرهنگی و اجتماعی روحانیت را ارزیابی کرده و شاخص‌هایی برای بازسازی جایگاه فرهنگی حوزه ارائه می‌دهد. تمرکز اثر بر «ارزیابی تاریخی- فرهنگی» است و کمتر به چالش‌های جدید مانند فضای مجازی، بحران هویت روحانی جوان و شکاف ارتباطی با نسل جدید پرداخته شده است؛ هرچند از لحاظ تحلیل تاریخی، پشتوانه‌ای ارزشمند برای فهم ضرورت تحول حوزه به شمار می‌رود.

۲. کاظم‌زاده، هادی (۱۳۹۲)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، «نقش حوزه علمیه اصفهان در تحول علوم در عصر صفوی»، استاد راهنما: علی کرباسی‌زاده و استاد مشاور: حسین کلباسی اشتیری. این پژوهش با نگاهی تاریخی نشان می‌دهد که حوزه علمیه صفوی چگونه در تعامل با ساختارهای سیاسی و فرهنگی عصر خود، زمینه تحول علمی را فراهم کرده است. محور اصلی پژوهش، تحلیل تاریخی است و به مسائل معاصر حوزه ورود نمی‌کند؛ اما اهمیت آن در تبیین ظرفیت تاریخی حوزه برای تحول‌پذیری است.

۳. حاجی‌حسن‌پور، پارسا (۱۳۹۰)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، «انقلاب اسلامی و تحول دانش سیاسی در حوزه علمیه قم»، استاد راهنما: محمدجواد نوروزی و استاد مشاور: محمدرحیم عیوضی. این پژوهش تحول دانش سیاسی در حوزه قم پس از انقلاب را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد چگونه ورود حوزه به عرصه سیاست، تولید معرفت سیاسی را دگرگون ساخته است. تمرکز پایان‌نامه بر «دانش سیاسی» است و بحث تحول اخلاقی و ارتباطی حوزه در جامعه امروز را دنبال نمی‌کند.

۴. رحیق، حسن، (۱۳۷۵)، مقاله «تحول در نظام آموزشی حوزه»، مجله پیام حوزه. این مقاله از نخستین تلاش‌ها برای نقد ساختار آموزشی حوزه پس از انقلاب است و بر ضرورت اصلاح روش‌های تدریس، استانداردسازی و پاسخ‌گویی نهاد آموزشی حوزه تأکید می‌کند. نگاه مقاله بیشتر آموزشی - ساختاری است.

۵. قره‌خانی، طاهره، «نقش حوزه‌های علمیه در توسعه معنویت و اخلاق اسلامی در جامعه». مقاله با رویکردی اخلاق‌محور، نقش تربیتی حوزه را در جامعه بررسی می‌کند و بر مسئولیت اخلاقی نهاد روحانیت تأکید دارد. هرچند اثر، اخلاق را محور توجه قرار داده است، اما به مباحث تحول ساختاری و ارتباطی حوزه نمی‌پردازد.

پیشینه‌های موجود، هر یک بخشی از مسأله تحول حوزه را روشن کرده‌اند: برخی به‌صورت تاریخی، برخی آموزشی و برخی اخلاقی؛ اما هیچ‌یک، تحول حوزه را به‌عنوان یک فرآیند یکپارچه که بتواند کارآمدی دینی و اخلاقی جامعه معاصر را افزایش دهد، به‌طور جامع بررسی نکرده‌اند. خلأ میان نگاه تاریخی و نیازهای جدید جامعه، دقیقاً جای خالی پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

با توجه به این مطالب باید گفت: نوآوری این مقاله در آن است که برای نخستین بار «تحول حوزه» را در سه سطح ساختاری، محتوایی و ارتباطی به صورت یک مدل منسجم ارائه می‌کند و این تحول را مستقیماً با «کارآمدی اخلاقی و دینی حوزه در جامعه امروز» پیوند می‌دهد؛ به‌ویژه در حوزه‌های نوپدیدی مانند فضای مجازی، بحران هویت روحانی جوان، گسست زبانی با نسل جدید و ضرورت تلفیق علوم انسانی-اسلامی. این رویکرد، مطالعه تحول حوزه را از یک بحث صرفاً تاریخی یا آموزشی، به یک تحلیل آینده‌نگر و کارآمدساز برای هدایت جامعه تبدیل می‌کند.

۲- چارچوب نظری: تحول در تفکر اسلامی

در تفکر اسلامی، تحول به معنای تغییر بی‌هنجار نیست، بلکه بازگشت به جوهر پویای دین است. علامه تهرانی در نور ملکوت قرآن می‌نویسد: «قرآن کتابی است که علومش کلی است و با تغییر زمان و مکان و تجدّد حوادث، متغیّر نمی‌گردد و زوال نمی‌پذیرد و با پیدایش مرام‌ها و مسلک‌ها و به وجود آمدن تمدن‌های متنوّع ابداً تغییر نمی‌یابد» (حسینی طهرانی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۸). در کتاب مستدرک نیز چنین آمده: «إِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ فِي رَأْسِ كُلِّ مِائَةِ سَنَةٍ مِنْ يُجَدِّدُ لَهَا دِينَهَا» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۵۰۶) این نگرش، پایه فلسفی برای اجتهاد پویا را فراهم می‌کند.

بنابراین؛ تحول در حوزه مبتنی بر سه اصل است:

أ. پابندی به اصول استنباطی (ثبات معرفتی)؛

ب. خوانش دقیق از موضوعات جدید (تحول کاربردی)؛

ج. ارتباط مؤثر با جامعه (کارآمدی اجتماعی).

۲-۱- حوزه علمیه در آئینه قرآن و سیره اهل بیت علیهم السلام

برای درک ریشه الهی و قرآنی نهاد حوزه علمیه، باید به دو سطح توجه کرد:

نخست: امر به علم‌آموزی و تربیت؛

دوم: وظیفه عالم دینی در هدایت اخلاقی و اجتماعی.

بر همین اساس، شکل‌گیری دوره‌های آموزشی مشترک بین حوزه و دانشگاه در رشته‌هایی مانند روان‌شناسی دینی، اخلاق پزشکی و اقتصاد اسلامی و ... نه تنها ممکن بلکه ضروری است. هم‌چنین، تشویق و حمایت از پایان‌نامه‌هایی که در مرزهای بین‌رشته‌ای مانند روان‌شناسی اعتقادات، جامعه‌شناسی حجاب یا فلسفه حقوق زیستی نوشته می‌شوند، می‌تواند افق‌های تازه‌ای برای گفت‌وگوی دین با علوم جدید بگشاید. این رویکرد، دین را از قلمروی صرفاً فردی خارج می‌کند و آن را به نیرویی پویا، زنده و اثرگذار در حل مسائل جمعی تبدیل می‌نماید؛ نیرویی که هم در عرصه نظر می‌تواند پاسخگو باشد و هم در میدان عمل، دست یاری به سوی جامعه دراز کند.

۳-۵- اصلاحات ارتباطی: از سکوت به هدایت فعال

برای کاهش فاصله میان نسل جوان و نهادهای دینی، ایجاد پل‌های ارتباطی کارآمد ضروری است. این هدف تنها از طریق حضور سازمان‌یافته و هوشمند در فضای مجازی محقق می‌شود. فعالیت‌های پراکنده روحانیون جوان در شبکه‌های اجتماعی، بدون پشتوانه راهبردی کلان و حمایت تخصصی، اثر محدودی دارد. لازم است شبکه‌های رسانه‌ای حوزوی مستقلی در پلتفرم‌هایی پرمخاطب ایجاد شود و پادکست‌های تخصصی یا اپلیکیشن‌های مشاوره‌ای با پشتیبانی مالی و فنی راه‌اندازی گردد. در کنار آن، تربیت مبلغان دیجیتال که هم بر علوم دینی مسلط باشند و هم با ادبیات و ابزارهای فضای مجازی آشنا شوند، گام مهمی است. این حرکت، تفسیر عملی فرمان قرآن کریم است که می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: ۱۲۵). حکمت در این زمانه به معنای به‌کارگیری روش‌ها و رسانه‌های مناسب برای انتقال پیام است.

هم‌چنین جوانان در شهرهای بزرگ نیازمند فضایی امن و بدون پیش‌داوری برای پرسش‌گری هستند. تأسیس مراکز مشاوره دینی - روان‌شناختی در کنار مساجد یا مراکز فرهنگی، با حضور کارشناسانی که تلفیقی از تخصص دین‌شناسی و روان‌شناسی دارند، می‌تواند پناهگاهی برای پاسخ به شبهات و چالش‌های اخلاقی باشد. تحت پوشش بیمه قرار دادن این خدمات نیز دسترسی همگانی به آن را تضمین می‌کند.

علاوه بر این موارد، ارتقای مهارت‌های ارتباطی طلاب و روحانیون امری ضروری است. قدرت علمی یک روحانی زمانی به اثر کامل می‌رسد که بتواند به زبانی قابل فهم و جذاب با مخاطب، به

ویژه نسل جوان، ارتباط برقرار کند. گنجاندن دروسی مانند اصول ارتباط مؤثر، روان‌شناسی مخاطب و فن بیان در دوره‌های مقدماتی تحصیل حوزوی و همچنین ارزش‌گذاری مهارت ارتباطی و تأثیرگذاری اجتماعی در کنار موفقیت‌های علمی در نظام ارتقای روحانیون، از راهکارهای بسیار کلیدی در این زمینه است. این اصلاحات، نه تنها فاصله‌ها را کم می‌کند؛ بلکه دینداری را به گفت‌وگویی زنده و پاسخ‌گو به نیازهای نسل امروز تبدیل خواهد کرد.

۴-۵- راهکارهای سیاستی: هماهنگی با نظام و جامعه

تعامل مؤثر حوزه‌های علمیه با نهادهای حکومتی، بر اساس نقشه‌های کلانی مانند «سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴» که بر «تعامل سازنده و مؤثر» تأکید دارد، یک ضرورت راهبردی است. این تعامل نباید به شکل وابستگی یا تابعیت، بلکه در قامت یک شورای مشورتی مستقل و اثرگذار صورت پذیرد. تمرکز این همکاری می‌تواند بر محورهای اساسی مانند الگوی اسلامی پیشرفت، طراحی سبک زندگی هماهنگ با آموزه‌های دینی و مشارکت در تدوین سیاست‌های فرهنگی ملی باشد تا در نتیجه نه تنها تقویت نهادهای نظام، بلکه غنای فکری و عملی جامعه در پرتو دین باشد.

در عین حال، رسالت حوزه‌های علمیه باید از مرزهای جغرافیایی فراتر رود. برای تحقق این امر، ایجاد شبکه‌ای منسجم از مبلغان بین‌المللی که علاوه بر تسلط بر مبانی دینی، به زبان‌های زنده دنیا مانند عربی، انگلیسی و فرانسوی مجهز باشند، گامی ضروری است. همچنین حضور فعال و تأثیرگذار در دانشگاه‌های معتبر جهان، به ویژه در رشته‌های مرتبط با اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی، می‌تواند پل ارتباطی مستحکمی برای انتقال دقیق و جذاب پیام اسلام ایجاد کند. این حرکت، عینیت بخشیدن به فرمان قرآن کریم است که امت اسلامی را امتی میانه و واسطه معرفی می‌کند؛ جامعه‌ای که می‌تواند پیام هدایت را به تمامی اقوام و ملل برساند. این رویکرد دوگانه یعنی تعامل هوشمندانه در داخل و حضور فعال و برنامه‌ریزی‌شده در عرصه جهانی، می‌تواند نقش تاریخی حوزه‌های علمیه را در هدایت جامعه و ارائه الگوی عملی از تمدن اسلامی احیا کند.

راهکارهای ارائه شده، نشان می‌دهد که تحول در حوزه‌ها نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت شرعی و اجتماعی است. این تحول، اگر بر سه محور ساختار، محتوا و ارتباط به صورت هماهنگ اجرا شود، می‌تواند:

- شکاف بین حوزه و جامعه را پُر کند؛

- کارآمدی حوزه در هدایت اخلاقی را چندبرابر کند؛

- حوزه را به «مرجعیت فرهنگ دینی» تبدیل نماید.

با توجه به این نکات باید گفت: اگر جامعه حوزه را نفهمد، دشمن او و به بیان دقیق‌تر دشمن دین و گزاره‌های دینی خواهد شد و حوزه، اگر خود را از جامعه جدا کند، دیگر «حجّت خداوند» نیست، بلکه تنها یک «حافظ سنتی» خواهد بود که در پستوی منازل و محراب مساجد خلوت کنج عزلت گزیده است.

۶- نتیجه‌گیری

تحلیل صورت‌گرفته در این پژوهش نشان می‌دهد که حوزه‌های علمیه با وجود ریشه‌های عمیق تاریخی و ظرفیت‌های معرفتی فراوان، در برابر تحولات پرشتاب فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای امروز، ناگزیر از بازنگری در ساختار، محتوا و شیوه‌های ارتباطی خود هستند. پیام مشترک قرآن، سیره اهل بیت علیهم‌السلام و اندیشه رهبران دینی نیز همین است: تحول نه از سر ذوق مدرنیسم، بلکه یک «ضرورت شرعی و اجتماعی» برای زنده نگه داشتن نقش هدایت‌گری دین است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که چالش‌هایی مانند فاصله زبانی با نسل جوان، محدودیت در بهره‌گیری از علوم انسانی، ضعف در مدیریت رسانه‌ای، و بحران هویت روحانیون جوان، اگر به صورت جدی و برنامه‌ریزی شده حل نشود، حوزه را به سوی انزوا سوق می‌دهد. در مقابل، نمونه‌های موفق همچون مؤسسه امام خمینی رحمه‌الله علیه، فعالیت‌های رسانه‌ای روحانیون جوان و حرکت‌های علمی نو، نشان می‌دهد که امکان تحول مثبت و کارآمد کاملاً فراهم است.

بر این اساس، سه محور اصلی تحول عبارت‌اند از:

۱. تحول ساختاری: شفافیت مدیریتی، نظام‌مند شدن آموزش، تقویت استقلال مالی و تأسیس رشته‌های تخصصی علوم انسانی - اسلامی.

۲. تحول محتوایی: گذار از اخلاق فردی به اخلاق اجتماعی، توجه به مسائل روز جوانان و بازآفرینی اجتهاد در زمینه‌های جدید.

۳. تحول ارتباطی: حضور فعال و حکمت‌آمیز در فضای مجازی، تربیت مبلغان دیجیتال و بازسازی مهارت‌های ارتباطی روحانیت.

در نهایت، روشن است که اگر حوزه بر اصول خود استوار بماند؛ اما در روش‌ها جسور، علمی و زمان‌شناس باشد، می‌تواند هم‌چنان نقش تاریخی خود را در هدایت اخلاقی و دینی جامعه ایفا کند و حتی بیش از گذشته به مرجعیت فکری و فرهنگی تبدیل شود؛ اما اگر به بهانه حفظ سنت، از فهم نیازهای نسل جدید غافل بماند، همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب هشدار داده‌اند، در معرض انزوا قرار خواهد گرفت. راه آینده، راه «تحول هوشمندانه» است؛ تحولی که دین را در متن زندگی انسان معاصر قرار می‌دهد و روحانیت را به جایگاه واقعی خود یعنی «راهنمایی جامعه» بازمی‌گرداند.

۷- منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۶ش)، «منزلت عقل در هندسه معرفت دینی»، قم: اسراء.

۲. _____، (۱۳۸۸ش)، «مبادی اخلاق در قرآن»، قم: اسراء.

۳. خمینی، روح‌الله، (۱۳۸۹ش)، «صحیفه امام»، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله علیه.

۴. راجی، سید محمد حسین، (۱۳۹۹ش)، «تبیین با تبیان»، قم: انتشارات تبیان.

۵. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ق)، «تهذیب الأحکام»، قم: دارالکتب الإسلامیه.

۶. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۳ش)، «نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر»، تهران: صدرا.

۷. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۹ش)، «اخلاق در قرآن»، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه.

۸. میلانی، سید علی، (۱۳۸۵ش)، «فدک فی التاریخ»، قم: انتشارات بیدار.

۹. نوری، حسین، (۱۴۰۸ق)، «مستدرک الوسائل»، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.

۱۰. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان همدان، ۱۳۸۳/۰۴/۱۵.

۱۱. بیانات در دیدار جمعی از اساتید و فضلا و مبلغان و پژوهشگران حوزه های علمیه کشور، ۱۳۸۶/۰۹/۰۸.

۱۲. بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹.

۱۳. بیانات در دیدار دست اندرکاران اولین کنگره بین المللی قرآن و علوم انسانی، ۱۳۹۶/۰۳/۰۱.

۱۴. بیانات در دیدار جمعی از اساتید و فضلا و مبلغان و پژوهشگران حوزه های علمیه کشور، ۱۴۰۳/۰۴/۱۳.